

حرف درشت

وضعیت فلان تاریخی



پورا عالمی

● روزنامه‌نگارها که هنوز هم فلان.... دخترها که بروند ورزشگاه فلان.... فیلترینگ اینترنت که فلان.... وزیر علوم هم که فلان.... دانشجویها هم که دیدند وزیر هست فلان شدند فلان.... وضعیت مجوز کتاب هم که فلان.... مطبوعات هم که درباره فلان-فلان اما اگر درباره فلان بنویسند فلان.... پرونده‌های فساد اقتصادی که کلا فلان.... داداش فلاانی و داداش فلائی هم اما داداش ما فلان.... اوضاع مؤسسات پولی که مردم را فلان... کماکان فلان.... بانک‌ها هم که معلوم نیست فلان یا رسما فلان، اما سودی که می‌گویند می‌دهند فلان.... وضعیت ایجاد شغل که فلان و جوان‌های فلان دربه‌در فلان.... آلودگی هوا هم فلان.... ترافیک هم فلان.... ممانعت از ساخت خودروی فلان به اسم خودروی ملی که بالای جان مردم نشود فلان هم که فلان.... حتی کلاه‌قرمزی و پسرخاله هم توی تلویزیون فلان و اگر قبلا تلویزیون تقریبا فلان، اما الان کلا فلان.... سپنتا نیکنام هم که بعد از چهار سال نمایندگی یکهو شد فلان.... تراکم‌فروشی فلان.... سیاست خارجی فلان.... سیاست داخلی فلان.... اقتصاد به صورت کلی فلان.... اجتماع بیش از فلان هم از دم فلان.... کارگرهای اخراجی جلوی فلان می‌شوند فلان.... منظره برگزار کرده توی تلویزیون دوتا موافق فلان با هم صحبت می‌کنند درباره مخالفت با فلان و جفتشان را هم قانع می‌کنند هم فلان.... الان هم نمایشگاه مطبوعات برگزار کردند فلان.... مطبوعاتی خاک‌خورده از دم فلان.... معاون‌های شهردار بیش که دم انتخابات بود فلان، الان شدند رئیس فلان....



آقای ظریف هم پا شده رفته دیدار فلان.... این وسط خود رئیس‌جمهور کلا پیداش رفته که ماها فلان به همین خاطر اصلا انکارنه‌انگار که فلان.... با این وضعیت فلان، یکی مثل من که نه از این‌ور فلان، نه از آن‌ور فلان، کلا می‌شود فلان فلان.... حالا من فلان فلان‌شده فکر می‌کنم ستون می‌نویسم روزانه که بشود فلان، بعد می‌بینی شدی فلان....

خلاصه به صورت مبسوطی فلان.

حالا با این بساط طوری شده که دنبال شماره تلفن آقای رئیسی و قالیباف می‌گردم زنگ برنم حلالیت بطلبم. ولته ما اگر می‌خواستیم برنامه‌های این دو عزیز اجرا شود، به این عزیز رای نمی‌دادیم. الکی آن دوتا را هم با خودمان بد کردیم.

فراخوان

فراخوان نخستین سمپوزیوم آثار دانشجویی علوم اجتماعی

● فراخوان نخستین سمپوزیوم کشوری آثار دانشجویی علوم اجتماعی که اردیبهشت‌ماه ۹۷ در دانشگاه تربیت مدرس برگزار می‌شود، منتشر شده و بدون هیچ محدودیتی در موضوع، همه دانشجویان می‌توانند با ارسال فیلم در آن شرکت کنند.

شرایط موجود حاکی از آن است که مستندهای به‌ظاهر اجتماعی اما فاقد تحلیل جامعه‌شناختی که این سال‌ها در همکاری بین سینماگران و اهالی علوم اجتماعی تولید شده‌اند، کاری بیش از معضل‌نگاری، رونق‌دادن به بازار خیره‌ها و تثبیت وضعیت‌ها و جایگاه‌ها نکرده‌اند. بنابراین انتظار می‌رود دانشجوی-فیلمساز آشنا با علوم اجتماعی همان‌طوری‌که به مقاله(essay) به‌عنوان ابزار فراقلمی سوبژکتیویته انتقادی خود می‌نگرد، به فیلم و فیلم‌سازی هم به‌عنوان ابزاری برای کنش و نه نمایش بنگرد.

به این اعتبار شاید بهترین شیوه برای ساخت فیلم‌های انتقادی آن باشد که «خود» به‌عنوان محور کنش اجتماعی، محور فیلم هم‌قرار گیرد تا تن و ذهن هم‌زمان در عرصه تصویر فعالیت یابند.

انتظار است که فیلم‌هایی که قرار است ساخته شود، فیلم‌هایی باشند که بجای معضل‌نگاری و رقت‌انگیزی که نقش زیادی هم در آگاهی‌بخشی اجتماعی ندارند، بتوانند فرصت چانه‌زنی برای قشر دانشجو ایجاد کنند و منجر به بازیابی قدرت آنها شوند. هیچ محدودیت زمانی برای فیلم‌ها وجود ندارد؛ در ضمن فیلم‌های منتخب رتبه‌بندی نخواهند شد.

شترت روزنامه

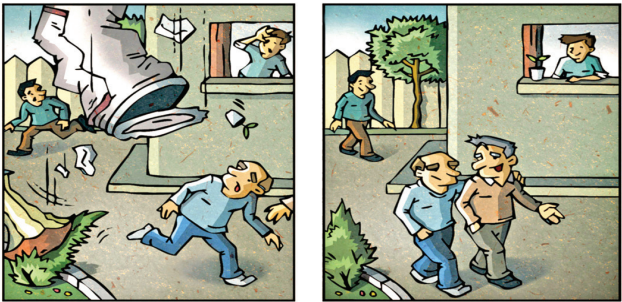
شنبه ۶ آبان ۱۳۹۶ • ۸ صفر ۱۴۳۹ • ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۹۷ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۲ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۳

روزنارضا



سهیل محمدی

کارتون خواب



زیر آسمان شهر

سکوهایی همیشه مردانه

نیلوفر حامدی

۱. دست‌کم دو هفته همه ایران تحت‌تأثیر این اتفاق هستند. یک هفته قبل و یک هفته بعد از بازی؛ حتی اگر مصاف‌های تاریخی شش کل و چهار کل را حساب نکنیم که تا همیشه در پرونده تیم‌های سرخابی باقی می‌ماند. حرف، حرف داربی است و روز سترخابی‌ها؛ روزی که حتی اگر اهل فوتبال هم نباشی، آن‌قدر جو حاکم بر اطرافت فوتبالی است که از مسابقه و نتیجه‌اش مطلع خواهی شد. روزنامه‌ها و رسانه‌های ورزشی که کاملا سرخابی می‌شوند و به شبکه‌های اجتماعی که سر می‌زنی یا همه در حال کری‌خوانی برای حرفشنان هستند یا دارند مدام این جمله معروف را تکرار می‌کنند که «یکی دیکه پولش رو می‌گیره، تو چرا حرص می‌خوری؟» داربی

۸۵ هم به نتیجه‌ای که داشت طعم شیرینش برای قرمزهای پایتخت باقی ماند و تلخی‌اش برای آبی‌هایی که البته حسایی معترض و عصبانی بودند. وسط این بازار داغ و پرمخاطب، اما نمفی از این جامعه، هر



رویداد ورزشی مثل فوتبال همیشه بوده و بسیاری از جامعه‌شناسان هم بر این باورند که حضور زنان حتی می‌تواند این معضل را در ورزشگاه‌ها تلطیف کند. پس چرا باز هم جلوگیری صورت می‌گیرد؟ عبارت زیرساخت‌ها و نبودش که به دم‌دستی‌ترین پایانی می‌رسد و حالت کسالت‌بار تساوی‌های پیاپی کم شده است، اما در همین رسانه‌ها هم یادشان می‌رود از یک تغییر بزرگ بنویسند؛ از اینکه چه شد که پای ورود زنان به این ورزشگاه را بردند و خیال کردند هیچ نسلی پیدا نمی‌شود که روزی دنبال حضور در ورزشگاه باشد. از بین ۸۵ داربی که تا به امروز بین دو تیم استقلال و پرسپولیس برگزار شده، ۲۶ داربی با حضور زنان بوده است؛ یعنی از سال ۴۷ تا سال ۶۰. تاریخ روشن است. سه سال بعد از انقلاب هم مانعی برای حضور زنان در ورزشگاه وجود نداشت. سوال اینجااست؛ پس چه شد که ناگهان چنین حضور موجه و بدون چالشی به عرفی عجیب و قانونی ننوشتند برای زنان ایرانی تبدیل شد؟

۳. با یک مرور ساده می‌فهمیم که این قانون نانوشته سابقه آنچنانی هم ندارد و در خانواده بسیاری از مردم مادر و عمه و خاله‌ای بوده که به ورزشگاه آزادی رفته و بازی‌های فوتبال را دیده است. نکته مهم اینکه عموما هم از این حضور

۶. اما این همه ماجرا نیست. برخی تصور می‌کنند علاقه به حل این مسئله به معنی نبود هیچ مشکل دیگری در جامعه است و فکر می‌کنند پیکیری این مطالبه با پیگیری دیگر چالش‌های موجود در ورزش زنان و مردان یا دیگر معضلهای اجتماعی منافات دارد. باید گفت که به‌هیچ‌وجه چنین چیزی نیست که از قضا پیگیری این مطالبه صرفا راهی برای حفظ جریان مطالبه‌گری و حرکت در مسیر رشد برای هر جامعه‌ای است و خیلی هم ضروری است.



محمدعلی آرامی
متخصص مغز و اعصاب

فیلم جدید «تهمینه میلانی»، بار دیگر به آسیب‌شناسی برخی ازدواج‌های ناموفق و مختم به فاجعه می‌پردازد و طبیعی است که مانند اغلب آثار دیگر این فیلم‌ساز، ایراد در مرد داستان است و نه اشکال در روابط بین دو نفر. البته به گمان من ایشان در فیلم «آتش‌بس» به شکلی قابل‌قبول و تأمل‌برانگیزی به اهمیت روابط صحیح بین طرفین پرداخته‌اند. درباره این فیلم از جهات گوناگون می‌توان به نقد نشست و از جمله به نقد سنت‌ها و ارزش‌ها در زندگی امروزی پرداخت. می‌توان تراژدی دردناک زندگی انسان‌ها را یادآور شد، چراکه تقدیر همه انسان‌هاست که باید راه‌های رفته را تجربه کنند (مضمونی از میلان کوندرا). می‌توان درباره

تجربه دیگران

پاپ فرانسیس و فضانوردان روس

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، کام کوچکی در جهت بهبود روابط میان واتیکان و روسیه برداشت و به گفت‌وگو با فضانوردان روس پرداخت. وی در این گفت‌وگوی صوتی- تصویری با ساکنان ایستگاه فضایی بین‌المللی، درک فضانوردان از عشق را ستود. به گزارش آسوشیتدپرس، پائولو نسپولی، فضانورد ایتالیایی، در زمان این مکالمه تقریبا ۲۰ دقیقه‌ای که یک‌بار نیز قطع شد، نقش مترجم را برعهده داشت. پاپ فرانسیس مانند یک کودک کنجکاو، از نسپولی و پنج عضو خدمه دیگر ایستگاه پرسش‌هایی ساده پرسید؛ مثلا اینکه چه چیزی به آنها الهام بخشید فضانورد شوند و البته پرسش‌هایی فلسفی نیز مطرح کرد، مانند اینکه جایگاه نوع بشر را در کیهان چگونه می‌بینید؟ پاسخ‌هایی که او به‌ویژه از فضانوردان روس، الکساندر میسورکین و سرگئی ریازانسکی دریافت کرد، گام کوچک دیگری برای بهبود روابط واتیکان کاتولیک با روسیه ارتدوکس بود که برای مدتی طولانی شکرآب بوده است. بهبود این روابط یک اولویت برای فرانسیس بوده است و او به همین منظور در سال گذشته میلادی با اسقف اعظم روسیه ارتدوکس دیدار کرد و نخستین پاپی بود که در هزار سال گذشته چنین اقدامی انجام داد. ریازانسکی در این مکالمه راه دور به فرانسیس گفت که از پدربزرگش الهام گرفته که مهندس بوده و در شوروی سابق به ساختن اسپوتنیک، اولین ماهواره مصنوعی جهان که آغاز عصر فضا بوده، کمک کرده است. ریازانسکی به زبان انگلیسی به پاپ گفت: «برای من افتخار بزرگی است که به کار پدربزرگم و تحقق آرزوی او برای آینده تمام بشریت ادامه دهم». فرانسیس نیز هیجان‌زده پاسخ داد: «این مایه قدرت ماست: هرگز ریشه‌های خود را فراموش نکنید. خوب است که این را می‌شنوم! متشکرم». پاپ همچنین با الکساندر میسورکین، ستاره‌شناس روس، درباره قطعه شعری از داتنه الیکیری بحث کرد، به این مضمون که عشق نیرویی است که جهان را حرکت می‌دهد. میسورکین نیز به زبان روسی درباره «شازده‌کوچولو» آنتوان سن اگزوپری فرانسوی که آن را در فضا خوانده و مفهوم عشق در این داستان صحبت کرد. پاپ نیز جواب داد: «واضح است که شما پیامی را که سن اگزوپری به نحوی شاعرانه توضیح داده، درک کرده‌اید و شما روس‌ها آن را در خون خود، در سنت‌های انسانی و مذهبی خود دارید». فرمانده ایستگاه فضایی، رندی برزینک، از تفنگداران دریایی سابق آمریکا در عراق، به فرانسیس گفت: «از اینجا نازک‌بودن اتمسفر زمین را می‌بینید و این سبب می‌شود که دریابید وجود ما چقدر شکننده است». وی همچنین از شیفنتی‌اش به فضا گفت: «از فضا که نگاه کنید، هیچ مرزی نیست، هیچ کشمکش نیست، همه چیز صلح‌آمیز است». او به پاپ گفت محال است شخصی به آنجا بیاید و از «زیبایی غیرقابل توصیف زمین» عمقا تحت‌تأثیر قرار نگیرد. نسپولی هم از پاپ بابت پرسش‌های فلسفی تشکر کرد و گفت بیشتر زمان خدمه ایستگاه صرف انجام وظایف به‌شدت فنی و مکانیکی می‌شود. پاپ فرانسیس قبل از کشیش‌شدن قصد داشته شیمی‌دان شود و بارهاوبارها نگرانی خود را نسبت به محیط زیست و مراقبت از آنچه او «خانه مشترک ما» نامیده، ابراز کرده است.

پیشنهاد

جایگاه سینما در جامعه ایران

گروه فیلم و سینمای انجمن جامعه‌شناسی ایران هم‌اندیشی «جایگاه و نقش سینما در جامعه ایران» را با حضور محمد مشکران‌نژاد، پژوهشگر شناخته‌شده سینما، برگزار می‌کند. همه دانشجویان، استادان و علاقه‌مندان می‌توانند برای مشارکت در این گفت‌وگو در روز دوشنبه هشتم آبان ۱۳۹۶، ساعت ۱۷ به دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مراجعه کنند.

آکادمی

یاری «ملی» در پیمودن راه‌های نرفته‌اش

کند، حقوق‌دان است تا روان‌شناس. راهنمایی‌های او بیشتر وجه قانونی دارد؛ نحوه شکایت و عدم‌رضایت و...، حال آنکه «ملی» در این مرحله بیش از قانون به حمایت روانی و نیز آموزش نحوه مواجهه با یک شخص مبتلا به سوطن و اختلال کنترل تکانه نیاز دارد. هرچند درمان این قبیل افراد دشوار است، ولی در قدم نخست این زوج باید به مشاور هدایت شوند تا به دادگاه یا دست‌کم به موازات همدیگر پیش رود. این نکات ایراد بر فیلم نیست، بلکه ایراد بر نحوه راهنمایی این موارد از سوی مرکزی است که به‌تدریج می‌فهمیم مرکزی دولتی و با امکانات قابل‌قبول و پیشرفته‌است، اما آن‌گونه که باید، حرفه‌ای عمل نمی‌کند، اما خارج از این نقد، همین که خانم «میلانی» وجود چنین مراکزی را به بینندگان نشان می‌دهد، ارزشمند است. بدون‌شک این مراکز نه‌فقط درمورد همسرآزاری، بلکه در مورد کودک‌آزاری نیز باید به کودکان و جامعه معرفی شوند، در آن‌صورت شاید کودک فیلم «هیس، دخترها...» نیز چون ملی رخنه امیدي داشت.

تحلیل

مثلت خطر در کمین روزنامه‌نگاری مستقل

تشکل متبوعشان نیازی به اثبات بیمه‌بودن خود (منظور بیمه اجباری است) ندارند و «بیمه» فرع بر «کارگروبدن» و امتیازی است که پس از احراز رابطه کارگری- کارفرمایی در کارگاه به وی تعلق می‌گیرد، اما چنانچه مدارک بیمه‌ای شخص، او را مشمول تعریف ماده (۲) قانون کار قلمداد نکند، دیگر نمی‌تواند مؤسس یا عضو تشکل کارگری شود.

بنابراین با اجرای توافق‌نامه و تفاهم‌نامه مزبور، تعداد قابل‌توجهی از روزنامه‌نگاران به دلیل امضای قرارداد بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد با سازمان تأمین اجتماعی، ناخواسته از مشمول قانون کار خارج شده و نمی‌توانند تشکل کارگری تأسیس کرده یا به عضویت آن درآیند.

۴- در سال ۱۳۸۴ دولت احمدی‌نژاد در اقدامی سؤال‌برانگیز مبادرت به تصویب آیین‌نامه جدید «چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوطه» کرد. این آیین‌نامه که در تضاد با مفاد فصل ششم قانون کار محسوب می‌شود و اصول کلی آن را نقض می‌کند، کارگران و از جمله روزنامه‌نگاران کشور را از داشتن انجمن صنفی سراسری محروم و تشکل‌های کارگری را به حوزه‌های کارگاهی، شهری و اسانی محدود کرد.

انتظار می‌رفت دولت تدبیر و امید و به طور مشخص وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (همانند دیگر وزارتخانه‌ها که برای ابطال یا تعلیق مصوبات غیرقانونی دولت قبل اقدام و پیگیری کردند)، اصلاح یا ابطال آیین‌نامه مذکور را از هیئت وزیران درخواست کند، ولی این مهم انجام نشد و برعکس اجرای آیین‌نامه موصوف با سرعت، دقت و قدرت بیشتری پی گرفته شد.

دست‌اندرکاران دولت برای توجیه این موضوع، تأسیس کانون‌ها و کانون‌های عالی انجمن‌های صنفی را به‌عنوان تشکل‌های سراسری معرفی و تجویز می‌کنند، درحالی‌که کارشناسان به‌خوبی با ماهیت کاملا متفاوت انجمن صنفی سراسری و کانون عالی آشنایی دارند و پرواضح است که در سیستم انجمن صنفی سراسری تصمیحات از سوی صدها یا بعضا هزاران عضو حقیقی اتخاذ می‌شود، اما در کانون‌ها، اعضای هیئت‌مدیره،

نمایندگان اشخاص حقوقی هستند و تصمیمات سرنوشت‌ساز در درون حرف و مشاغل مختلف، از سوی پنج نفر اتخاذ خواهد شد!

۵- برخلاف دو رخداد قبلی که به طور مستقیم بخش و نهاد کارگری رسانه را هدف قرار می‌دهد، مرجع ضمیر اکثری لایحه نظام جامع بخش بخش کارفرمایی و کارگاه‌های رسانه‌ای است. اگرچه بخش کارگری رسانه‌ها نیز خواه‌ناخواه و مستقیم یا غیرمستقیم از این لایحه تأثیر خواهد پذیرفت. صرف‌نظر از ایرادات فراوانی که حقوق‌دانان، صاحب‌نظران و روزنامه‌نگاران مستقل و پیش‌کسوت بر این لایحه وارد کرده‌اند و جملگی اجرای آن را در تضاد با اصل استقلال در روزنامه‌نگاری دانسته‌اند، این پرسش همچنان مطرح است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت تدبیر و امید بر اساس کدام ضرورت این‌گونه عجولانه مبادرت به تصویب لایحه مذکور کرده است؟ اکنون ما سکه‌کانه قوق که می‌توان آن را مثلت خط نامید، به‌خوبی می‌تواند آینده روزنامه‌نگاری مستقل در ایران را پیش‌بینی کند: خارج‌کردن روزنامه‌نگاران (بدنه کارگری مطبوعات) از شمول قانون کار، محدودکردن سازمان‌یابی و سازماندهی صنفی و کوچک‌کردن دایره تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در بخش کارگری و بدنه رسانه‌ها و در نهایت محدودکردن کارفرمایان رسانه‌ای و تغییرشکل کارگاه‌های رسانه‌ای و وابسته‌کردن تام‌تمام رسانه‌ها به نهاد دولت.

آیا دولت تدبیر و امید آخرین میخ را بر تابوت روزنامه‌نگاری مستقل ایران خواهد کوبید؟

روزنامه‌نگاری مستقل ایران خواهد کوبید؟